

اهمیت روش مثلثی در روش تحقیق علمی

پوهنیار سید ابراهیم درویشیان^۱، پوهنیار عبدالقهار جواد^۲

^{۱،۲} د پیاوړتیا روابط عمومی، پوهنځی ارتباطات و ژورنالیزم، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: darwisheanSE@ku.edu.af

چکیده

این مقاله به بررسی اهمیت روش مثلثی در روش تحقیق علمی به منظور جواب دادن به سؤال «آیا روش مثلثی راه حلی مناسب برای الگوی تقابل گرایی رویکردهای تحقیق های علمی است» پرداخته است. هدف اساسی این مقاله این است که اهمیت میتود مثلثی را در روش تحقیق علمی از منظرهای الگوی تقابل گرایی، الگوی آشتی گرایی و پارادایم مثلثی بررسی کند. برای رسیدن به این هدف، روش تحقیق توصیفی - نظری استفاده شده است. برای گردآوری داده ها، از منابع چاپی با شیوهی تحلیل و فراتحلیل کار گرفته شده است. روش توصیفی - نظری به توصیف پدیده ها و مطالعه ی موضوع تحقیق به گونه ی نظری می پردازد و تصویر کامل برای شناخت کامل موضوع تحقیقی ارائه می کند. فراتحلیل به جست و جوی داده های موجود پرداخته و منبع های موجود را برای یافتن داده های مطلوب بررسی می کند. یافته های این تحقیق نشان داد که مثلثی رهیافت مناسب برای مطالعه دقیق، همه جانبه و کامل یک موضوع تحقیق از منظر کاربرد روش های تکمیلی؛ اشتراک محققان مختلف، کاربرد نظریه های متفاوت، اطلاعات و منبع های گوناگون است. بر علاوه، مثلثی اعتبار داخلی یا روایی تحقیق را افزایش داده و بر ارزش تحقیق می افزاید.

اصطلاحات کلیدی: الگوی آشتی گرایی؛ اثبات گرایی؛ پارادایم تقابل گرایی؛ تفسیر گرایی؛ روش مثلثی

Importance Study of Triangulation Method in Research Methodology

Jr. Teaching Asstt. Sayeed Ebrahim Darwishean¹, Jr. Teaching Asstt. Abdul Qahar Jawad²

1,2Department of Public Relations, Faculty of Communication & Journalism, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: darwisheanSE@ku.edu.af

Abstract

This article examines the importance of triangulation in the academic research method to answer the question "Is triangulation a suitable solution for the Paradigm War in the academic research approaches". The basic goal of this article is to examine the importance of triangulation in the academic research method from the perspectives of paradigm war, paradigm shift, and triangulation. Thus, a theoretical descriptive method was advantageous to meet the set goal for this study. For data collection, secondary sources (e.g. available literature) were used incorporating in the article with a method of Meta-analysis. The theoretical descriptive method describes the phenomena and studies the research topic theoretically and provides a complete picture for a thorough understanding of the problem statement. On the other hand, a Meta-analysis searches for existing data and examines existing sources to find the desired data. The findings of this study showed that the triangulation approach is suitable for a detailed, comprehensive, and complete study of a research topic from the perspective of the application of complementary methods (e.g. deploying different researchers, applying different theories, using different data, and atypical sources. In addition, triangulation increases the internal validity of the research and adds to the value of the research.

Keywords: Interpretivism; Paradigm Shift; Positivism; Paradigm War; Triangulation

اهمیت روش مثلی در روش تحقیق علمی

مقدمه

از دیر زمانی، تقابل‌گرایی میان رویکردهای کمی و کیفی وجود داشته است. طرف‌داران هردو رویکرد مزیت‌های خود و کاستی‌های طرف مقابل را برجسته می‌کنند. تحقیق‌های کیفی به گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از طریق مشاهده رفتار و گفتار مردم گفته می‌شود و متکی به الگوی فلسفی تفسیرگرایی است (کندیل، ۲۰۲۰). تحقیقات کیفی برای کسب اطلاعات بیش‌تر در مورد شرایط پیچیده مفید است. در سوی دیگر، تحقیق‌های کمی گردآوری داده‌های عددی و تحلیل آن براساس روش‌های ریاضی به‌منظور توضیح پدیده‌ها می‌باشد و براساس الگوی فلسفی اثبات‌گرایی در مورد موضوع‌های مورد مطالعه، قضاوت و نتیجه‌گیری می‌کند (موجیس، ۲۰۰۴ به نقل از کندیل، ۲۰۲۰). تحقیق‌های کمی به یک سلسله استراتژی، تکنیک و پیش‌فرض‌های گفته می‌شود که به‌منظور فرایندهای روان‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی از طریق بررسی الگوی عددی انجام داده می‌شود؛ در سوی دیگر، تحقیق‌های کیفی به جمع‌آوری و تحلیلی سؤال‌های باز از طریق میتودهای مانند فوکس‌گروپ و اتنوگرافی گفته می‌شود (شارق و دیگران، ۲۰۱۹).

به اساس تحقیق دانیل (۲۰۱۶) تحقیق‌های کیفی، پدیده‌های مورد مطالعه را از دید انسانی بررسی می‌کند و مناسب برای زنده‌گی واقعی انسان‌ها می‌باشد. او توضیح می‌دهد که سیستم گردآوری داده‌ها در این روش منحصر به فرد است و تیوری از داده‌ها به‌دست می‌آید. در کنار برجسته‌گی‌های رویکردهای کیفی، نقدهای نیز وجود دارد، که اکثر وقت‌ها مخالفان این تحقیق به آن‌ها اشاره می‌کنند. به‌گونه‌ی مثال، کریستینسن و جهانسون (۲۰۱۲) به نقل از دانیل، (۲۰۱۶) تأیید می‌کنند که تحقیق‌های کیفی پویا بوده و ثابت نمی‌باشد. بنابراین، یافته‌های این تحقیق برای گروه خاص در یک مدت زمانی ویژه معتبر است؛ ولی قابلیت تعمیم‌دهی را ندارد. هم‌چنان براساس یافته‌های این محققان، این‌گونه تحقیق وابسته به الگوی فلسفی تفسیرگرایی است و پیش‌فرض‌های ذهنی محقق در فرایند تحقیق دخیل می‌باشد و سرانجام، نبود رقم در تحقیق، ساده‌سازی مشاهده‌ها و یافته‌ها را ناممکن می‌سازد.

تحقیق‌های کمی از عددها و رقم‌ها برای مطالعه‌ی موضوع و پدیده‌های مورد بررسی استفاده می‌کند و زمانی کم‌تری مصرف می‌شود. هم‌چنان، این روش تحقیق، ماهیت علمی دارد (دانیل، ۲۰۱۶). در رویکردهای کمی، تعمیم‌دهی یک اصل مهم آن می‌باشد و سرانجام، این روش متکی به الگوی فلسفی اثبات‌گرایی بوده و واقعیت‌های مورد مطالعه را به دور از قضاوت پیش‌فرض‌های ذهنی محقق بررسی می‌کند. کاستی‌های این رویکرد نیز برجسته است. طوری‌که محققان موردهای مهم را اشاره می‌کنند.

به طور مثال، دانیل (۲۰۱۶) توضیح می دهد نگاه از بیرون به واقعیت مورد مطالعه و جدا از اشتراک کننده گان تحقیق، یک نقطه ضعف این روش است. هم چنان، اشتراک کننده گان نقشی در مدیریت تحقیق ندارد. تحقیق های کمی ساختارمند بوده و متغیرها، فرضیه ها و طرح از پیش تعیین شده دارد (دنیزکامبی، ۱۹۹۸؛ بریان، ۲۰۱۲؛ کریسویل، ۲۰۰۹؛ کریستینسن و جهانسون، ۲۰۱۶ به نقل از دانیل، ۲۰۱۶). ساختار از پیش تعیین شده، نقش داده ها و اشتراک کننده گان در تولید علم و نتیجه ی تحقیق را کاهش می دهد و تفکر خلاقانه را تضعیف می کند. دانیل (۲۰۱۶) معتقد است که تحقیق هایی با رویکرد کمی نمی تواند برخی موضوع ها مانند پدیده های پیچیده و زمینه های متفاوت اجتماعی را دقیق مطالعه و سنجش کند.

با توجه به بحث پیشین در مورد الگوی تقابل گرایی، کمپیل و فیسک (۱۹۵۹) الگوی آمیخته یا مختلط را پیشنهاد کرد تا دو رویکرد مختلف را آشتی دهد. این طرح، هرچند به تقابل گرایی میان طرف داران هردو تحقیق مؤثر ارزیابی می شود؛ اما از نظر اجرایی و عملیاتی با چالش های بزرگ و ناممکن مواجه است. رویکرد کمی با الگوی فلسفی اثبات گرایی عمل می کند در حالی رویکرد کیفی با پارادایم فلسفی تفسیرگرایی به پیش می رود. کنار هم قراردادن این دو به منظور سنجش یک مورد مطالعه، ممکن نیست و جمع اضداد است. چون از دو رویکرد متضاد نمی توان به یک نتیجه ی واحد دست یافت. بنابراین، دینزین (۱۹۷۸) الگوی روش مثلثی را مطرح کرد. این مقاله تلاش می کند تا به اهمیت این الگو با چشم انداز یک راه حل منطقی برای تحقیق های علمی بپردازد.

این تحقیق به دلیل اهمیت خود تحقیق های علمی در رشد و توسعه ی دانش بسیار مهم است؛ چون راهکار تازه برای مطالعه ی دقیق، همه جانبه و کامل یک موضوع تحقیقی با استفاده از شیوه ی روش مثلثی را معرفی می کند. روش مثلثی عبارت از کاربرد شیوه های مختلف برای مطالعه ی یک موضوع تحقیق است. طوری که ضعف یک روش با قوت میتود دیگر جبران می شود (کیلی و برنارد، ۲۰۱۹؛ مارتینز و هیزی بیر، ۲۰۱۲ و رگ، بدون تاریخ به نقل از درویشیان، ۲۰۲۳). مطالعه ی دقیق و کامل یک موضوع تحقیقی، بدون شک داده های معتبر و قابل اتکا برای استفاده در مورد حل یک مشکل اجتماعی یا تولید و گسترش دانش به دست می دهد و نتیجه ی به دست آمده، اعتبار علمی پیدا می کند. این تحقیق، به این دلیل ضرور است که در این زمینه در پوهنتون کابل تحقیق مشابهی انجام نشده و محققان جوان نیازمند اطلاعات دقیق و لازم برای کاربرد مؤثر روش مثلثی برای ترفیع های علمی خود و تولید و گسترش علم می باشند. نوشتن این مقاله و نشر آن در مجله ی علمی، مخاطب نخستین آن استادان و محصلان پوهنتون کابل می باشند و در گام دوم، استادان و محصلان پوهنتون های دیگر از

آن بهره‌مند خواهند شد. بنابراین، این مقاله، انگیزه برای انجام تحقیق‌های علمی با استفاده از روش مثلثی در پوهنتون کابل ایجاد می‌کند؛ چون میان محققان و استادان جوان ذهنیت مثبت نسبت به روش مثلثی ایجاد می‌شود.

هدف اساسی این تحقیق عبارت از بررسی اهمیت سه سویه‌سازی در روش تحقیق علمی از منظرهای الگوی تقابل‌گرایی، الگوی آشتی‌گرایی - آمیخته و الگوی سه سویه‌سازی می‌باشد. هم‌چنان، این مقاله هدف‌های فرعی چون بررسی الگوهای تقابل‌گرایی، آشتی‌گرایی و سه سویه‌سازی در روش تحقیق‌های علمی را نیز تعقیب می‌کند.

بیان مساله‌ی تحقیق

روش مثلثی گونه‌ی از پارادایم آشتی‌گرایی در روش تحقیق‌های علمی است. مارتینیز و هسی‌بیر (۲۰۱۲) معتقد اند که روش مثلثی توجیهی برای استفاده از روش مختلط در روش تحقیق‌های علمی است؛ اما میتود آمیخته با چالش‌های عملیاتی مواجه است. انتخاب دو رویکرد متفاوت با پارادایم فلسفی متضاد، برای محققان تازه‌کار و کم‌تجربه امری بسیار دشوار است. طوری‌که تقابل‌گرایی رویکردهای کمی و کیفی از سالیان درازی وجود داشته است و استفاده هم‌زمان از هر دو برای مطالعه یک موضوع تحقیقی، منتج به جمع‌اضداد پارادایم اثبات‌گرایی و پارادایم تفسیرگرایی می‌شود. استفاده از دو الگوی متضاد، امکان یک نتیجه‌گیری علمی را دشوار می‌سازد. بنابراین، با توجه به تقابل‌گرایی و مشکل الگوهای متضاد در روش مختلط، این پرسش مطرح است؛ آیا روش مثلثی رهیافت مناسب برای آشتی‌دهی رویکردهای مختلف تحقیقی است، در حالی خود نیز تأکید به استفاده از شیوه‌های مختلف می‌کند؟ این مقاله تلاش می‌کند تا به این سؤال پاسخ ارایه کند.

روش تحقیق

این تحقیق اهمیت روش مثلثی در روش تحقیق علمی را بررسی می‌کند تا دریابد که آیا این روش، راه‌حل مناسب برای فایق آمدن به کشمکش‌های رویکردهای تحقیق‌های علمی است یا باید میتودهای دیگر را برای مطالعه‌ی دقیق، جامع با ضریب اشتباه پایین به‌کار برده شود. به این سبب، در این تحقیق از روش‌شناسی توصیفی- نظری استفاده شده است. روش‌شناسی توصیفی به توصیف پدیده‌های مورد مطالعه پرداخته و جزئیات دقیق و تصویر کامل از آن‌ها ارایه می‌کند (نیومان، ۲۰۱۵). در این تحقیق، از داده‌ها و منبع‌های چاپی به‌منظور توضیح و تعریف متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده است. داده‌های گردآوری شده از منبع‌های علمی معتبر مانند ژورنال‌های با اعتبار و کتاب‌های علمی نشر

شده ی سال‌های پسین به‌دست آمده است. هم‌چنان، در این تحقیق، از روش تحلیل فراترکیبی به‌منظور یافتن و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیق‌های علمی معمولاً با سه گونه ادبیات تحقیق؛ پیشینه‌ی مفهومی، پیشینه‌ی نظری و پیشینه‌ی تجربی مواجه است. بررسی هم‌زمان هر سه مورد برای تمام موضوع‌های تحقیقی با رویکردهای تحقیق به ارزش تحقیق چیزی را اضافه نمی‌کند. نیومان (۲۰۱۵) معتقد است که رویکردهای کیفی بدون پیشینه یا ادبیات تحقیق با ارزش و معتبر است. به نظر او، ادبیات تحقیق به‌منظور یافتن مسأله یا طرح مسأله‌ی تحقیقی در رویکردهای کمی بسیار مهم است؛ ولی در رویکردهای کیفی، هدف‌ها از اهمیت زیاد برخوردار است. با توجه به این اصل، در این تحقیق به پیشینه‌ی مفهومی بیش‌تر پرداخته شده است. چون نظریه، در رویکردهای کیفی از داده‌های میدانی به‌دست می‌آید.

پیشینه‌ی مفهومی

رویکردهای کمی و کیفی متکی به الگوهای مختلف فلسفی مانند اثبات‌گرایی، عینی‌گرایی و تفسیرگرایی انتقادی است. برخی از این الگوها منحنی پیشینه‌ی مفهومی، در این مقاله بحث شده است. هم‌چنان بحث اساسی این مقاله بررسی اهمیت روش مثلی در روش تحقیق‌های علمی است. بنابراین، موضوع‌های یاد شده متغیرهای اصلی و پیشینه‌ی مفهومی این تحقیق می‌باشند که در زیر هریک به گونه‌ی فشرده بررسی می‌شود.

عینی‌گرایی: به نوع الگو فلسفی گفته می‌شود که معتقد به عینی‌گرایی و کشف واقعیت می‌باشد. براساس این پارادایم، محققان کمی وظیفه دارند تا واقعیت واحد را به گونه‌ی بی‌طرفانه کشف و گزارش کند (نیومان، ۲۰۱۵). براساس این پارادایم، محقق نباید پیش‌فرض‌های ذهنی و ارزش‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود را در فرایند تحقیق دخیل بسازد. محقق در این گونه تحقیق، نظاره‌گر از بیرون به پدیده‌های مورد مطالعه است؛ اما خود پدیده‌ها را تجربه نمی‌کند. به این مفهوم که، محقق در درون وضعیت اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی قرار نمی‌گیرد و این ارزش‌ها را نادیده می‌گیرد. وضعیت‌های یاد شده را بی‌طرفانه مشاهده، مطالعه و گزارش می‌کند. باید تصریح شود که عینی‌گرایی الگوی فلسفی است که در رویکردهای تحقیقی کمی مورد استفاده قرار داده می‌شود.

اثبات‌گرایی: اثبات‌گرایی رویکرد فلسفی است که بر استفاده از مشاهده و روش تجربی برای تولید دانش تأکید می‌کند. اثبات‌گراها براین باور اند که دانش باید مبتنی بر پدیده‌های قابل مشاهده، اندازه‌گیری و قابل تأیید باشد. در تحقیق‌های علمی، اثبات‌گرایی بر استفاده از روش‌های کمی برای

گردآوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها تأکید می‌کند. هم‌چنان، پوزیتیویست‌ها معتقد اند که روش‌های تجربی باید برای کشف قانون جهان‌شمول استفاده شود. منظور از جهان‌شمول این است که یک قانونی وجود دارد که در تمام جهان قابل قبول است و باید آن‌را کشف و گزارش کند (نیومان، ۲۰۱۵؛ گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۱؛ جلالی، ۱۳۹۳؛ امیدی، ۱۳۹۲). این الگوی فلسفی نیز باور به عینی‌گرایی داشته و واقعیت را دور از ذهن انسان تعریف می‌کند. نخستین بار فرانسیس بیکن، اثبات‌گرایی را به‌معنای قطعیت و یقین مطرح کرده است. بعد از آن، این مفهوم در تحقیق‌های علمی استفاده شده و تأکید بر عینیت‌گرایی در تحقیق می‌کند (جلالی، ۱۳۹۳).

تفسیرگرایی: در اواخر قرن نوزدهم، ماکس وبر و ویلیام دیلتای نظریه‌ی معرفت‌شناسی مبتنی بر تفسیر را مطرح و روش تفهم را پیشنهاد کرده است. به عقیده‌ی آنان، علوم اجتماعی مانند علوم طبیعی ملموس و قابل مشاهده نیست؛ بلکه بیش‌تر از طریق تفهم قابل درک و مطالعه است و واقعیت اجتماعی و رای ذهن انسان نبوده؛ بلکه از اثر کنش کنش‌گران ساخته و پرداخته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۶۰ به نقل از گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۳). تفسیرگرایی الگویی است که به درک یا تفسیر معنا می‌پردازد و معناگرایی در اندیشه‌ی هستی‌شناسی دیکارت مطرح شده است. او معتقد بوده که پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی نیست؛ بلکه باید به شکل ذهنی تجربه شود تا درک گردد (رفیع‌پور، ۱۳۶۰ به نقل از گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۳). در این الگو، واقعیت‌های اجتماعی ساخته و پرداخته ذهن انسان اجتماعی تعریف شده است که باید براساس تفهم مطالعه شود. در عنصر تفهم، پیش‌فرض‌های ذهنی انسان دخیل است و براساس ارزش‌های ذهنی انسان، پدیده‌ها بررسی و درک می‌شود. تفسیرگرایی الگوی است که در رویکردهای کیفی تحقیق مورد کاربرد فراوان دارد.

درون‌گرایی: الگوی از زیر مجموعه‌ی تفسیرگرایی است؛ اما به تفسیر فردگرایی تأکید می‌کند. به این معنی که مفسران مختلف می‌توانند رفتار طرف مقابل را به روش‌های مختلف تفسیر کنند. این الگوی نظری تفسیر مبتنی بر مقاصد واقعی طرفین است (جانیکوا، ۲۰۱۵). در این الگوی فلسفی، محقق پدیده‌های مورد مطالعه را از درون بررسی می‌کند و خود بخش از جامعه‌ی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. **روش مثلثی:** در قرن نوزدهم، در کنار رویکردهای کمی تحقیق، رویکرد کیفی نیز ظهور کرد. بعد از مدتی محققان به این نتیجه رسیدند که هیچ یک از این دو رویکرد به تنهایی نمی‌تواند پدیده‌ها را به درستی مطالعه کند و در نتیجه رویکرد جدید به‌میان آمد که به‌نام مختلط یاد می‌شود (کوکبی، سهرابی و عظیمی ۱۳۹۵). این رویکرد به دلیل اتکا به الگوی‌های فلسفی متضاد، چالش‌هایی برای محققان به‌میان آورد که کاربرد هردو رویکرد را عملاً دشوار می‌نماید. برای این‌که به این مشکل فایق آید،

نورمال دینزین در سال ۱۹۷۸ روش بکر براساس الگوی آشتی‌گرایی به نام روش مثلثی یا مثلثی را مطرح کرد و در آن تأکید می‌شود که شیوه‌های متخلف برای مطالعه‌ی یک موضوع تحقیق استفاده می‌شود تا روایی تحقیق بیش‌تر شود (دینزین، ۱۹۸۹ به نقل از فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). استفاده از شیوه‌های مختلف، همان بحث اشتباه میتود مختلط است.

پیشینه‌ی مفهومی این تحقیقات نشان می‌دهد که الگوهای فلسفی مختلف و گاه متضاد در رویکردهای کمی و کیفی استفاده می‌شود تا موضوع مورد مطالعه‌ی تحقیق را بررسی کرده بتواند؛ اما جمع اعداد چگونه ممکن است بتواند یک راه‌حل مناسب باشد؛ چون الگوی فلسفی تفسیرگرایی و درون‌گرایی نگاه محقق از داخل به پدیده‌ها انجام می‌شود.

رہیافت روش مثلثی

روش مثلثی عبارت از کاربرد میتودهای مختلف، نظریه‌های متفاوت، محققان بیش‌تر و داده‌های به‌دست آمده از منبع‌های مختلف برای مطالعه‌ی یک موضوع و پدیده‌ی مورد مطالعه به‌منظور گرفتن یک نتیجه‌ی کامل می‌باشد (کیلی و برنارد، ۲۰۱۹؛ مارتینیز و هیسپی، ۲۰۱۲ و رگ، بدون تاریخ به نقل از درویشیان، ۲۰۲۳). در ظاهر، اساس این شیوه این است که به مشخص بودن دو رأس یک مثلث، می‌توان رأس سوم را براساس محاسبه‌ی ریاضی پیدا کرد. به این معنا که در صورت معلوم بودن دو بخش، می‌توان بخش سوم را که مبهم است را پیدا و تشخیص کرد. این الگوی تحقیقی در اصل تلاش می‌کند تا پدیده‌ها و موضوع‌های تحقیقی را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد تا جنبه‌های گوناگون آن به‌منظور گرفتن یک نتیجه‌ی قابل اتکا شکافته و تحلیل می‌شود.

رہیافت روش مثلثی، از شیوه‌های مختلف برای مطالعه‌ی یک موضوع تحقیقی استفاده می‌کند تا بتواند کاستی‌های یک روش را با شیوه‌ی دیگر جبران کند. این شیوه تأکید می‌کند که از داده‌های برآمده از منبع‌های مختلف برای سنجش و بررسی موضوع زیر مطالعه استفاده می‌شود. استفاده از داده‌های مختلف، می‌تواند کاستی‌ها، کم‌بودها و ضعف‌های یک داده و منبع با قوت دیگر برطرف می‌شود. برعلاوه، محققان مختلف برای مطالعه‌ی موضوع‌های تحقیقی سهم گرفته و از دیدگاه‌های متفاوت موضوع‌های تحقیقی را بررسی می‌کند (کیلی و برنارد، ۲۰۱۹؛ مارتینیز و هیسپی، ۲۰۱۲ و رگ، بدون تاریخ به نقل از درویشیان، ۲۰۲۳). هم‌چنان، در این شیوه، برای یک موضوع تحقیقی نظریه‌های مختلف منحنی چهارچوب نظری استفاده می‌شود تا چهارچوب گوناگون منحنی بستر مطالعه فراهم می‌شود.

روش مثلثی، قابلیت اعتماد (Reliability) یا اعتبار درونی تحقیق‌های علمی را بالا می‌برد (فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸) و زمینه‌ی سوگیری محققان را در فرایند تحقیق از میان می‌برد (بکت و زائونیزفسکی، ۲۰۱۲؛ گوریسن، بروگن و جاکیمز، ۲۰۱۳؛ هورن و هورگان، ۲۰۱۲ و لوید، ۲۰۱۱ به نقل از فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). روایی یا اعتبار داخلی یک تحقیق، اعتبار و ارزش تحقیق انجام شده را بالا می‌برد. بسیاری از تحقیق‌ها، با چالش روایی مواجه است. روش مثلثی، به این چالش فایده‌آمده است؛ چون شیوه‌های متخلف، زاویه‌های دید متفاوت، نظریه‌های گوناگون و دیدگاه‌های مختلف برای مطالعه‌ی پدیده‌های مورد مطالعه به کار برده می‌شود. پویایی یک تحقیق مربوط به قابلیت تکرار شدن یک تحقیق به نتیجه‌ی مشابه را بیان می‌کند. باتوجه به دلیل‌های ارایه شده در فوق، در زمینه‌ی پویایی نیز روش مثلثی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

دسته‌های روش مثلثی

بررسی تحقیق‌های محققان نشان می‌دهند که چهار دسته از روش مثلثی در روش تحقیق‌های علمی وجود دارد (پاتون، ۲۰۰۲ به نقل از فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). هریک از این روش مثلثی نظر به موضوع‌های مورد مطالعه می‌تواند کاربرد داشته باشد؛ اما به این معنا نیست که در هر تحقیق، از تمام این روش مثلثی‌ها می‌توان استفاده کرد. نظر به موضوع، مسأله و زمینه‌ی تحقیق، یکی از این موردها مناسب باشد. در زیر، هریک از این روش مثلثی بررسی می‌شود تا درک بهتر ایجاد شده و تصمیم‌گیری در مورد کاربرد این دسته را آسان سازد.

روش مثلثی میتود: این دسته از روش مثلثی تأکید بر استفاده از شیوه‌های مختلف برای مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی پدیده یا موضوع مورد مطالعه می‌کند (پاتون، ۲۰۰۲ به نقل از فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). طوری که ضعف یک روش یا قوت میتود دیگر جبران شده و مطالعه‌ی با اعتبار انجام داده می‌شود. این روش‌ها می‌تواند مرتبط با رویکرد کمی یا کیفی باشد یا از میان هردو باشد. در صورت که شیوه‌های متفاوت برای گردآوری داده‌ها مربوط به یک رویکرد تحقیقی باشد، چالش الگوی فلسفی از میان برداشته می‌شود؛ چون از یک الگوی فلسفی من حیث بستر و چهارچوب مطالعه استفاده می‌شود. در صورت استفاده از شیوه‌های مرتبط به هردو رویکرد، مشکل استفاده از الگوهای فلسفی متضاد بحث شده زیر عنوان پیشینه‌ی مفهومی تحقیق و دیباچه پابرجا می‌ماند.

روش مثلثی اطلاعات: این دسته به استفاده از منبع‌های مختلف داده‌ها برای سنجش و مطالعه‌ی موضوع مورد بحث تأکید می‌کند (پاتون، ۲۰۰۲ به نقل از فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). منبع‌های متفاوت به معنای بررسی دقیق‌تر و کامل‌تر موضوع تحقیق نیز بوده می‌تواند چون معایب یک منبع با محاسن

منبعی دیگر تقویت می‌شود. روش مثلی داده متفاوت از روش مثلی میتود است؛ چون اولی تأکید به استفاده از منبع‌های مختلف می‌کند، در حالی دومی اشاره به منبع داده‌ها دارد. به‌گونه‌ی مثال، در روش مثلی میتود در رویکرد کیفی می‌توان از میتود، مطالعه‌ی موردی، مطالعه‌ی پنل، فوکس گروپ و مواد چاپی استفاده کرد. در مورد روش مثلی داده‌ها، می‌توان از داده‌های برگرفته شده از مدیر ارشد، کارمند اداری، متخصص بخش، مشتری، مصرف‌کننده و تحلیل‌گران استفاده کرد.

روش مثلی نظریه: این دسته از روش مثلی به بهره‌گیری از چند نظریه منحنی چهارچوب نظری برای مطالعه‌ی موضوع تحقیق اشاره می‌کند (کیلی و برنارد، ۲۰۱۹؛ مارتینیز و هسی بیبر، ۲۰۱۲ و رگ، بدون تاریخ به نقل از درویشیان، ۲۰۲۳). نظریه‌ها در تحقیق‌های علمی، بستر و چهارچوب مطالعه را فراهم می‌کند. استفاده از یک نظریه، ممکن بستر مناسب و چهارچوب لازم را مساعد نکند؛ چون یک نظریه می‌تواند بخش از موضوع را دربر بگیرد. کاربرد نظریه‌های مختلف زاویه‌ی دید متفاوت به موضوع را تسهیل می‌کند و مطالعه را از این منظر جامع‌تر می‌سازد. توجه باید کرد که به‌کارگیری نظریه‌های متفاوت، فرایند تحقیق را پیچیده‌تر می‌سازد و برای محققان تازه‌کار، انجام تحقیق دشوارتر می‌شود. در مقابل، اعتبار داخلی یا روایی تحقیق را افزایش می‌دهد.

روش مثلی محقق: در این دسته از روش مثلی یا روش مثلی، چند محقق یک موضوع تحقیقی را بررسی و مطالعه می‌کنند (پاتون، ۲۰۰۲ نقل شده در فوج، ای فوج و نیس، ۲۰۱۸). سهم‌گیری چند محقق در یک پروژه‌ی تحقیقی، کاویدن دقیق پدیده‌ی مورد مطالعه می‌باشد. بررسی، مطالعه و سنجش یک موضوع تحقیقی از سوی چند محقق، فرصت را برای تحقیق همه‌جانبه و کامل مساعد می‌سازد. تحقیق جامع به‌معنای گرفتن نتیجه و یافته‌های کلیدی معتبر و قابل اتکا نیز می‌تواند باشد.

مناقشه‌ی یافته‌ها

دسته‌های روش مثلی نشان می‌دهد که روش مثلی چهار فرصت برای مطالعه‌ی جامع و کامل پدیده‌های مورد مطالعه را فراهم می‌کند. محققان می‌تواند با توجه به موضوع و مسأله‌ی تحقیق خود، یکی از این چهار دسته را برای تحقیق خود انتخاب و از اصل‌های آن‌ها پیروی کنند. روش مثلی زمینه مطالعه‌ی جامع و کامل یک موضوع را مساعد کرده و اعتبار داخلی تحقیق را افزایش می‌دهد. در کنار محاسن مثلی، معایب نیز متصور است. نخست این‌که روش مثلی باید چالش روش مختلط را برطرف کند؛ اما طوری‌که دیده شد، یکی از گونه‌های روش مثلی، استفاده از چندین شیوه برای مطالعه یک موضوع تحقیق است. در این صورت، محققان با چالش پارادایم فلسفی متضاد در رویکردهای تحقیق مواجه خواهند شدند. موضوع مشکل پارادایم متضاد در بخش‌های پیشین بحث شده است. دومین

چالش این است که میان روش مثلی میتود و داده‌ها ابهام وجود دارد. هرچند روش مثلی داده‌ها به منبع‌های مختلف اشاره می‌کند و روش مثلی میتود به کارگیری چندین شیوه‌ی گردآوری داده‌ها تأکید می‌کند؛ اما روی هم رفته هردو در مورد شیوه‌های گردآوری داده‌ها بحث می‌کند. یک نکته‌ی رهیافتی این است که روش مثلی میتود، می‌تواند در داخل یک رویکرد تحقیقی نیز انجام شود که در این صورت، محققان به مشکل الگوهای متضاد فلسفی تحقیقی مواجه نخواهند شد.

رویکردهای کمی و کیفی هردو مزایا و معایب دارد که به تنهایی هیچ یک از این دو رویکرد نمی‌تواند تمام موضوع‌ها را دقیق و مؤثر بررسی و سنجش کند (کوکبی، سهرابی و عظیمی (۱۳۹۵)). از سوی هم، طرح مختلط پیشنهادی کمپبیل و فیسک (۱۹۵۹) نیز نمی‌تواند آشتی مناسب میان دو رویکرد متفاوت با الگوی فلسفی متضاد را فراهم کند؛ چون رویکردهای کمی با الگوی فلسفی اثبات‌گرایی و عینی‌گرایی عمل می‌کند. در سوی دیگر، رویکردهای کیفی با پارادایم فلسفی تفسیرگرایی و درون‌گرایی فعالیت می‌کند. پارادایم‌های اثبات‌گرایی و تفسیرگرایی، دو الگوی متضاد و مخالف است که استفاده هم‌زمان از آن‌ها منتج به جمع اضداد می‌شود. استفاده از دو الگوی متضاد، نتیجه‌گیری واحد و علمی را دشوار می‌سازد. بنابراین، روش مثلی طرح دیگر برای تغییر پارادایم می‌تواند باشد. این تحقیق یافته‌های زیر را برجسته می‌کند:

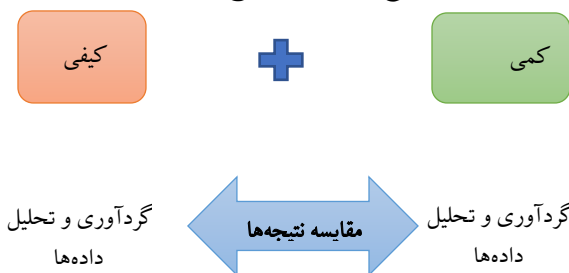
۱. رویکردهای کمی نمی‌تواند موضوع‌های پیچیده را به درستی سنجش و مطالعه کند؛ چون این رویکرد متکی به الگوی فلسفی اثبات‌گرایی است و پدیده‌ها را به دور از پیش‌فرض‌های ذهنی محقق بررسی می‌کند. یافته‌های دانیل (۲۰۱۶) نیز تأکید می‌کند که نگاهی از بیرون به واقعیت مورد مطالعه و جدایی اشتراک‌کننده‌گان تحقیق از فرایند تحقیق ضعف‌های این رویکرد می‌باشد. هم‌چنان، نتیجه‌ی تحقیق این محقق نشان می‌دهد که رویکرد کمی ساختار از پیش تعیین‌شده دارد و این ویژه‌گی نقش اشتراک در تولید علم را کاهش می‌دهد.

۲. رویکردهای کیفی عاجز از مطالعه موضوع‌های مانند نظرسنجی، رابطه علیت و معلول، همبستگی با استفاده از شیوه‌های ریاضی می‌باشد؛ چون رویکردهای کیفی متکی به الگوی فلسفی تفسیرگرایی است و واقعیت را ساخته و پرداخته ذهن انسان می‌داند. پدیده‌های اجتماعی جدا از علوم طبیعی است. در علوم طبیعی، پدیده‌ها باید مشاهده، اندازه‌گیری و به‌صورت عینی سنجش شود. درحالی‌که، در علوم اجتماعی، پدیده‌ها باید تجربه شود تا کاملاً درک شده بتواند. یافته‌های کریستینسن و جهانسون، ۲۰۱۲ به نقل از دانیل، ۲۰۱۶) نیز تأیید می‌کند که یافته این رویکرد تحقیقی برای گروه خاص در یک دوره زمانی ویژه قابل اعتبار است. هم‌چنان نتیجه‌ی تحقیق این

محققان نشان می‌دهد که به دلیل نبود رقم در تحقیق، ساده‌سازی مشاهده و یافته‌ها ناممکن می‌شود.

۳. شیوه‌ی مختلط یا استفاده از دو رویکرد به‌صورت هم‌زمان، با چالش استفاده از دو الگوی متضاد مواجه است که جمع‌بندی تحقیق را با مشکل مواجه می‌کند. نتیجه‌ی تحقیق دانیل (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که رویکرد کمی با پارادایم اثبات‌گرایی عملی می‌کند؛ درحالی‌که رویکرد کیفی با الگوی تفسیرگرایی انجام داده می‌شود. بنا بر یافته‌های این محقق، این دو الگو متضاد هم‌اند و جمع اعداد در نتیجه‌گیری، اگر ناممکن نباشد، بسیار مشکل است.

۴. روش مثلثی رهیافت مناسب برای مطالعه پدیده‌های مورد بررسی می‌باشد؛ چون امکان و زمینه‌های لازم برای مطالعه‌ی دقیق، کامل و جامعه را مساعد می‌کند. حبیبی (۱۴۰۲) با ارایه‌ی یک مدل توضیح می‌دهد که روش مثلثی به‌معنای ترکیب رویکردها با الگوهای فلسفی مختص هر رویکرد نیست، بلکه بیش‌تر یک روش است که نتیجه‌ی گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی را باهم مقایسه می‌کند. شکل ۱ این موضوع را بیش‌تر واضح می‌سازد.



شکل ۱: روش مثلثی در تحقیق‌های علمی براساس مدل پیشنهادی حبیبی (۱۴۰۲)

دینزین (۱۹۷۸) روش مثلثی را طرح و ارایه کرد تا یک موضوع مورد مطالعه را از جنبه‌های مختلف و با استفاده از روش‌های متفاوت بررسی شده بتواند. نگاه علمی به پدیده‌های مورد مطالعه از زاویه‌های گوناگون، درک کامل‌تر از موضوع و پدیده‌ها ارایه می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هیچ یک از رویکردهای تحقیقی به تنهایی نمی‌تواند موضوع‌های مورد مطالعه به خصوص پدیده‌های پیچیده را دقیق و درست مطالعه کند. رهیافت مختلط با به‌کارگیری در الگوی فلسفی متضاد مواجه است که جمع‌بندی تحقیق را با مشکل مواجه می‌کند. در ضمن، رویکردهای کمی باید دارای یک نتیجه باشد که بیش‌تر از محاسبه‌های ریاضی به‌دست می‌آید. در حالی که رویکردهای کیفی تحقیق دارای یافته‌های کلیدی است.

با توجه به مباحثه‌ی و یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که روش مثلثی رهیافت مناسب برای مطالعه دقیق، همه‌جانبه و کامل یک موضوع تحقیق از منظر کاربرد روش‌های تکمیلی؛ اشتراک محققان مختلف؛ کاربرد نظریه‌های متفاوت و داده‌ها و منبع‌های گوناگون است. در عین زمان، روش مثلثی نیز با ابهام در دو گونه از نوع خود مواجه است؛ روش مثلثی میتود و سه سویه‌سازی داده‌ها بسیار با هم مشابه است. بر علاوه، روش مثلثی میتود، با عین چالش روش مختلط مواجه خواهد بود. در صورت‌که از دو رویکرد کمی و کیفی در گردآوری داده‌ها استفاده شود؛ ولی محققان می‌توانند این چالش را به فرصت تبدیل کنند، طوری‌که شیوه‌های مختلف را از یک رویکرد تحقیقی انتخاب و از مزایای آن‌ها بهره‌مند شود.

در کنار این‌ها، روش مثلثی اعتبار داخلی یا روایی تحقیق را افزایش داده و بر ارزش تحقیق می‌افزاید. یافته یا نتیجه‌ی تحقیق قابل اعتبار و اتکا می‌شود؛ چون موضوع تحقیقی از زاویه‌های مختلف، با چهارچوبی نظری متفاوت، از دید محققان متعدد و با سهم‌گیری منبع‌های متفاوت مطالعه می‌شود و کاستی‌های یک مورد با برتری‌های گونه‌ی دیگر جبران و برطرف می‌شود. روایی لازم یک تحقیق، پویایی این تحقیق را نیز قابل اتکا و قبول می‌سازد. پس می‌توان گفت که روش مثلثی رهبافت مناسب برای فایق آمدن به چالش تقابل‌گرایی در روش تحقیق‌های علمی است در صورت‌که روش مثلثی در یک رویکرد تحقیقی مورد استفاده قرار گیرد. به این مفهوم که از شیوه‌های مختلف، منبع‌های متفاوت، داده‌های متنوع و نظریه‌های مناسب یا در رویکرد کمی یا در رویکرد کیفی استفاده شود.

منابع

- آرش، حبیبی. (۱۴۰۲). طرح پژوهی مثلث‌سازی. پارس مدیر. برگرفته شده از سایت www.parsmodir.com
- امیدی، علی. (۱۳۹۲). رویکردهای سه گانه روش‌شناسی در مطالعات علوم اجتماعی و مقایسه‌ی آن با نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبائی. مجله‌ی علمی حکمت و فلسفه. سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۱۸
- جلالی، سید حسین. (۱۳۹۳). اثبات‌گرایی و پسااثبات‌گرایی و نقش آن در تحقیقات مدیریت. جزوه‌ی درسی پوهنتون تهران رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۶۰). کندوکارها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار
- کوکی، مرتضی؛ سهرابی، مظفر و عظیمی، افروز. (۱۳۹۵). بنیان‌های فلسفی روش‌های تحقیق کمی، کیفی و آمیخته: به بهانه‌ی نقد بر کتاب روش تحقیق آمیخته. فصل‌نامه نقد کتاب: اطلاع‌رسانی و ارتباطات. سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۵.
- گائینی، ابوالفضل و حسین‌زاده، امیر. (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه گانه اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان. مجله‌ی راهبرد فرهنگ. شماره ۱۹، خزان ۱۳۹۱
- Bekhet, A. K., & Zauszniewski, J. A. (2012). Methodological triangulation: An approach to understanding data. *Nurse Researcher*, 20, 40–43.
- Bryman, A. (2012). *Social Research Methods*. 4th edition. New York: Oxford University Press.
- Creswell, J. W. (2009). *Research Design Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approach*. (3rd ed). London: SAGE Publication
- Daniel, Eyisi. (2016). The Usefulness of Qualitative and Quantitative Approaches and Methods in Researching Problem-Solving Ability in Science Education Curriculum. *Journal of Education and Practice*. Vol.7, No.15, 2016
- Darwishean S.E. (2023). *Need Assessment for Professional Public Relations: a study of university linkage to the labor market in Afghanistan*. Osmania University. Ph.D. Thesis
- Denscombe, M. (1998). *The Good Research for Small-Scale Social Research Project*. Philadelphia: Open University Press.
- Fusch, Patrizia; Fusch E. Gene and Ness, Lawrance R. (2018). Denzin's Paradigm Shift: Revisiting Triangulation in Qualitative Research. *Journal of Social Change*, 2018, Volume 10, Issue 1, Pages 19–32. DOI: 10.5590/JOSC.2018.10.1.02
- Horne, C., & Horgan J. (2012). Methodological triangulation in the analysis of terrorist networks. *Studies in Conflict & Terrorism*, 35, 182–192. doi:10.1080/1057610x.2012.639064
- Janečková, Pavlína. (2015). Objectivism versus Subjectivism in the Process of the Interpretation of the Contract. *Philippine Social Sciences and Humanities Review* 4(2):221-226
- Johnson, B. & Christensen, L. (2012). *Educational Research, Qualitative, Quantitative and Mixed Approach*. (4th ed). California: SAGE Publication.
- Kandel, Basanta. (2020). Qualitative Versus Quantitative Research. *Marsyangdi Journal*, Volume 1, September 2020
- Kelle, U., Kühberger, C. and Bernhard, R. (2019) 'How to use mixed-methods and triangulation designs: An introduction to history education research'. *History*

- Education Research Journal, 16 (1): 5–23. DOI
<https://doi.org/10.18546/HERJ.16.1.02>
- Lloyd, S. (2011). Triangulation research to inform corporate reputation and practice. *Corporate Reputation Review*, 14, 221–223. doi:10.1057/crr.2011.16
- Martens, Donna M. and Hesse Biber, Sharlene. (2012). Triangulation and Mixed Methods Research: Provocative Positions. *Journal of Mixed Methods Research*, 6(2) 75–79. DOI: 10.1177/1558689812437100
- Muijs, D. (2004). *Doing quantitative research in education*: London: Sage Publication.
- Neuman, W. L. (2014). *Social Research Methods: Qualitative and Qualitative Approaches* 7e. United State: Pearson.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*, (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Rug, Deborah. (n.d.). *An Introduction to Triangulation*. UNAIDS Monitoring and Evaluation Division.
- Sharique, Ahmad; Irfan, Sumaiya; Wasim, Saeeda and Gogoi, Sudarshana .(2019). *Journal of Evidence Based Medicine and Healthcare* 6(43):2828-2832. DOI:10.18410/jebmh/2019/587